

## "داعش" و "بحران عراق" !



ظرف روزهای اخیر، با یورش گروه بنیادگرای اسلامی "داعش" که نام خلاصه شده "الدولة الإسلامية في العراق و الشام" می باشد به شهر موصل در عراق و تسلیم نیرو های ارتش عراق در مقابل این دار و دسته جنایتکار صحنه سیاسی عراق ناگهان دچار تحولی چشمگیر گشت؛ تا آن جا که برخی از خبرگزاری ها از احتمال "تجزیه" این کشور خبر دادند. در این میان فرار مفتضحانه ارتش عراق در مواجهه با یک گروه کم عده بنیاد گرا یعنی داعش ، رسوائی جدیدی بر سیاست های رسوای امپریالیست ها و دولت ارتجاعی عراق افزود. از طرف دیگر در کرکوک هنوز نیرو های داعش به سمت این شهر حرکت نکرده بودند که نیرو های ارتش عراق مواضع خود را در این شهر رها کرده و پا به فرار گذاشتند. امری که باعث شد نیرو های حکومت خودمختار کردستان عراق جای آن ها را پر سازند.

واقعیت این است که به دنبال اشغال عراق در دوره ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش، ارتش کنونی عراق به وسیله آمریکا و زیر رهبری آن با تجهیزات نظامی آمریکائی ساخته شده است و در نتیجه واقعیات فوق به طور طبیعی این پرسش را مطرح می سازد که اگر به جای داعش یک نیروی مردمی و انقلابی در مقابل این ارتش قد علم می کرد، آیا ارتش عراق باز اسلحه بر زمین می گذاشت و در مقابل مردم تسلیم می شد؟ آیا در چنین صورتی هم فرماندهان ارتش دستور فرار به این ارتش می دادند؟! به راستی چرا ارتش عراق در مقابل داعش تسلیم شد؟ و سؤال دیگر این است که چگونه داعش، گروهی که با پول و اسلحه عربستان و قطر ساخته شده یک دفعه آن چنان قدرتی پیدا کرد که توانست موصل که یکی از بزرگترین شهرهای عراق می باشد را اشغال کند و تازه به این هم بسنده نکرده و پس از اشغال چند شهر دیگر در استان های مختلف عراق به سوی بغداد حرکت نماید.

پرسش های فوق زمانی ابعاد وسیع تری یافت که شبکه خبری "المیادین" به نقل از "منابع عراقی مطمئن" اعلام کرد که "سفارت آمریکا در بغداد از قبل ، نسبت به حمله داعش و باقی مانده های حزب بعث در موصل و دیگر استان های عراق با خبر بوده است." و یکی از فرماندهان محلی در استان صلاح الدین، که شهر تکریت در آن واقع شده است هم چنین روز چهارشنبه اعلام کرد: "از فرماندهان عالیرتبه به ما تلفن کردند و خواستند تسلیم شویم. در این مورد ازشان سؤال کردم و گفتند دستور است." این فاکت ها بیانگر چه حقیقتی است؟ کسی فراموش نکرده است که در شرایطی که دولت افغانستان، خود دست ساز آمریکا بود آمریکائی ها به کمک پاکستان گروه طالبان را شکل داده و بسوی کابل روان کردند و این گروه تروریستی هم با دیدن دست گرم آمریکا و پاکستان در پشت سر خود تا تسخیر کابل پیش رفت و دولت افغانستان را ساقط و خود به قدرت رسید. آیا آمریکائی ها دارند همان تجربه روی کار آوردن طالبان در افغانستان را به گونه ای دیگر در عراق پیاده می کنند ، آن هم در شکل ظاهری مخالفت با داعش؟ و در همان حال ایجاد زمینه ای برای گسترش میلیتاریزم، بحران و

ناامنی در منطقه که توجیه گر خط دخالت نظامی و ضرورت تشدید حضور مستقیم آمریکا در منطقه باشد؟

این پرسش ها امروز در رابطه با بحران عراق به این دلیل هم طرح می شوند که دولت آمریکا به جای ارسال کمک برای دولت دست نشانده خود در عراق یعنی دولت نوری المالکی در پاسخ به درخواست کمک این دولت رسماً اعلام کرد که "هیچ کمک نظامی به این کشور فایده ای نخواهد داد، مگر این که همراه با طرحی سیاسی باشد که عراقی ها ارائه می دهند". اواما همچنین وضع کنونی را ناشی از "سستی نیروهای عراقی" و "سهل انگاری در هماهنگی های امنیتی با نیروهای آمریکایی" دانست که در توافقنامه امنیتی مشترک بین دو کشور به آن اشاره شده است. این موضعگیری باعث گشت که تحلیلگر ارشد سیاسی "سی.ان.ان" گلوریا بورگر در تفسیر سخنان اواما اعلام کند که: "من فکر می کنم دولت اواما از دست نوری مالکی خسته و بیزار است". اما تفسیر از سخنان اواما هر چه باشد واقعیت این است که داعش با احساس پشتیبانی علنی عربستان و قطر، دو نیروی گوش به فرمان دستورات امپریالیسم آمریکا، با انجام جنایاتی ده ها برابر جنایتکارانه تر از نیروهای فاشیست، در حال پیشروی در عراق بوده و امیدوار است که فردا با قدرت و امکانات هر چه بیشتری در سوریه جایی که امپریالیست های غرب و روسیه در مقابل هم صف آرائی دارند جنایات خود را دنبال نماید.

در حال حاضر آن چه در مورد "بحران عراق" مسلم است این است که داعش یک جریان اسلام گرای ارتجاعی دست ساز عربستان و قطر می باشد که با قدرت گیری آن، صحنه سیاسی عراق کاملاً تغییر کرده است. در نتیجه، اولاً پیشروی های ناگهانی "داعش" را نمی توان به حساب "انقلابیون" عراق و "قیام مردم عراق" و یا حتی سنی های این کشور علیه سیاست های بغایت ارتجاعی دولت نوری المالکی گذاشت. هر چند مردم سنی مذهب عراق از زمان به قدرت رسیدن دولت دست نشانده عراق شدیداً تحت فشار بوده و دل پر خونی از نوری المالکی دارند اما صرف هم مذهب بودن، نمی تواند باعث همکاری آن ها با چنین نیروی جنایتکاری گردد. واقعیت این است که حمله داعش به موصل و اشغال بخش هائی از عراق با توجه به جنایاتی که این دار و دسته در همین فاصله علیه مردم روا داشته و تجاوز و کشتاری که به راه انداخته اند، بروشنی نشان می دهد که حرکت آن ها هیچ ربطی به خواست ها و مطالبات بر حق مردم عراق ندارد.

ثانیا با توجه به ماهیت ضد خلقی دولت کنونی عراق و دار و دسته داعش، جنگ آن ها با یکدیگر دارای ماهیت ارتجاعی است و نمی توان در مقابل نیروی مافوق ارتجاعی داعش، ارتجاعی بودن دولت کنونی حاکم بر عراق را فراموش کرد.

تجربه داعش که دست ساز نوکران امپریالیسم آمریکا (عربستان و قطر) می باشد، تنها بر این حکم درست مهر تأیید می زند که بنیادگرایی اسلامی جز وسیله ای جهت گسترش سلطه امپریالیستی و پیشبرد سیاست های به غایت ارتجاعی امپریالیست ها نمی باشد. این واقعیت را بیش از سی سال

سلطه جمهوری اسلامی، رویدادهای خونین افغانستان و کل خاورمیانه و شمال آفریقا و موجودیت و عملکرد القاعده ای که زمانی همپیمان داعش بود ، بارها به اثبات رسانده و هم اکنون ما در عراق شاهد تجلی یک پرده دیگر این واقعیت می باشیم.

**مرگ بر امپریالیسم دشمن اصلی خلق های جهان !**  
**دست امپریالیست ها و مرتجعین هوادارش از زندگی مردم عراق کوتاه باد !**  
**زنده باد انقلاب !**

**چریکهای فدایی خلق ایران**  
**۱۵ جون ۲۰۱۴**